



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۴/۰۲

نویسنده: جورجیو کافیرو

مترجم: سید حسام مل

## آیا کشور های منطقه برای دفاع در برابر ایران به اسرائیل روی خواهند آورد

منبع: تاریخ نشر: ریسپونسیبل ستیبت گرفت ۲۰۲۶/۰۵/۰۱

در پی جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران و حملات راکتی و طیارات بی سرنشین تلافی جویا نه تهران به اعضای شورای همکاری خلیج فارس (GCC)، کشورهای عربی خلیج فارس در حال ارزیابی مجدد فرضیات دیرینه خود در مورد چتر امنیتی ایالات متحده هستند.

در حالی که دور یا بعید است از اینکه البته هیچ یک از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس روابط دفاعی خود را با واشنگتن قطع کنند، پادشاهی های یا سلطنت نشینان عرب خلیج فارس تقریباً مطمئن هستند که به دنبال مشارکت های امنیتی گسترده تر خواهند بود. این روند که پیش از ۲۸ ماه فیروزی وجود داشت، اکنون قرار است سرعت بگیرد، که ناشی از بی توجهی دولت ترامپ به هشدارهای مقامات عرب خلیج فارس در مورد حمله به ایران و بی تفاوتی آشکار آمریکا به منافع امنیتی آنها است.

یک سوال فوری این است که چگونه اسرائیل می تواند به عنوان یک شریک امنیتی منطقه ای ظهور کند که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بتوانند برای تقویت استقلال خود از ایالات متحده به آن تکیه کنند. تحلیلگرانی مانند دانیل لوی، رئیس پروژه ایالات متحده/ خاورمیانه و مذاکره کننده سابق اسرائیل، خاطر نشان می کنند که پروژه «اسرائیل بزرگ» فراتر از گسترش ارضی است و هدف آن نیز قرار دادن اسرائیل به عنوان یک شریک امنیتی ضروری با سوءاستفاده از ترس فزاینده کشورهای خلیج فارس از ایران است. اسرائیل به عنوان قدرتمندترین نیروی نظامی خاورمیانه که به خاطر فناوری پیشرفته و قابلیت های اطلاعاتی اش مشهور است، طبیعتاً به پادشاهی های عرب خلیج فارس که به دنبال استقلال بیشتر از ایالات متحده هستند، متوسل می شود. تا حدودی متناقض، این کشور همچنین به اعضای شورای همکاری خلیج فارس دسترسی غیرمستقیم به تصمیم گیرندگان واشنگتن را ارائه می دهد.

کریم امیل بیتار، مدرس مطالعات شرق میانه در پوهنتون علوم سیاسی پاریس، به RS گفت: "از نظر تاریخی، متوجه شده ایم که اکثر کشورهای خلیج فارس برای نزدیک شدن به آمریکایی ها به اسرائیل روی آورده اند." این روش آنها برای اطمینان از این بود که اسرائیل به نمایندگی از آنها در دولت ایالات متحده لابی کند و گاهی اوقات کشورهای خلیج فارس برای نزدیک شدن به اسرائیل با یکدیگر رقابت می کردند تا اسرائیل به عنوان طرف صحبت و واسطه آنها در ایالات متحده عمل کند و نظر مساعد دولت ایالات متحده را جلب کند."

لازم به ذکر است که پادشاهی های خلیج فارس یکپارچه نیستند و دیدگاه های آنها در مورد اسرائیل به عنوان یک شریک امنیتی متفاوت است. در یک سر این طیف، عمان، قطر و عربستان سعودی قرار دارند که تمایلی به همکاری عمیق تر با تل آویو ندارند. در سوی دیگر، امارات متحده عربی قرار دارد که در سال های اخیر همکاری خود با اسرائیل را عمیق تر کرده و احتمالاً در پاسخ به تجاوز تهران، همکاری در زمینه های دفاعی، امنیتی و اشتراک گذاری اطلاعات را گسترش خواهد داد. بحرین و احتمالاً کویت نیز ممکن است راه ابوظبی را در پیش بگیرند.

روابط حسنه امارات و اسرائیل پیش از این منجر به تحولات بی سابقه ای شده است. اکتیوس در ۲۶ اپریل گزارش داد که اسرائیل در اوایل جنگ ایالات متحده، اسرائیل و ایران، مخفیانه یک سامانه گنبد آهنین را با سربازان خود در

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

امارات مستقر کرد و این اولین باری بود که این سازمان در خارج از اسرائیل یا ایالات متحده مورد استفاده قرار گرفت. این سازمان که عمق همکاری نظامی امارات و اسرائیل را نشان می‌دهد، طبق گزارش‌ها، ده‌ها موشک ایرانی را که امارات را هدف قرار داده بودند، رهگیری کرد.

این موضوع را باید در چارچوب برداشت ابوظبی مبنی بر اینکه کشورهای عربی و نهادهای منطقه‌ای در طول این درگیری حمایت کافی ارائه ندادند، بررسی کرد. چه منصفانه باشد چه نه، این دیدگاه احتمالاً امارات متحده عربی را به تقویت همکاری‌های خود با اسرائیل، ایالات متحده و چین ترغیب خواهد کرد. پس از اعلام اخیر خروج امارات از اوپک، این کشور ممکن است همچنان از چندجانبه‌گرایی عربی فاصله بگیرد و احتمالاً بعداً از اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی خارج شود.

میراء الحسین، یکی از اعضای مرکز الولید در دانشگاه ادینبورگ، به RS گفت: «امارات متحده عربی سرمایه‌گذاری زیادی، چه از نظر اعتباری و چه از نظر لجستیکی، در رابطه خود با اسرائیل انجام داده است. این کشور ممکن است شرکای امنیتی خود را متنوع کند، اما عملاً به موازات اسرائیل حرکت خواهد کرد.»

منطقه‌ای است که بحرین - کشوری که به طور فزاینده‌ای به ابوظبی وابسته است - اسرائیل را به عنوان یک شریک دفاعی ارزشمندتر در چشم‌انداز امنیتی منطقه‌ای در حال تحول ببیند. جغرافیا، محدودیت‌های اقتصادی و پویایی فرقه‌های آن، آن را به ویژه در برابر تهران آسیب‌پذیر می‌کند و منامه را بیشتر به تعمیق روابط امنیتی با تل‌آویو ترغیب می‌کند.

کویت شایسته توجه است. اگرچه مدت‌هاست با توافق‌نامه ابراهیم مخالف بوده است، اما رهبری فعلی آن ممکن است به سمت نوعی عادی‌سازی بالفعل با اسرائیل حرکت کند. موضع تاریخی طرفدار فلسطین این کشور توسط سیاست‌های پارلمانی آن شکل گرفته است، اما فرسایش نهادهای دموکراتیک آن، افزایش تهدیدات ایران و همسویی نزدیک‌تر با ابوظبی، از جمله تعمیق هماهنگی امنیتی کویت و امارات، احتمال پذیرش اسرائیل به عنوان یک شریک امنیتی توسط کویت را افزایش می‌دهد. کورتنی فریر، استادیار گروه مطالعات شرق میانه و جنوب آسیا در پوهنتون اموری، توضیح داد: «با انحلال پارلمان، احتمال بیشتری وجود دارد که دولت تصمیمی را اتخاذ کند که همیشه در ملاء عام نامحبوب بوده و توسط قانون پارلمان غیرقانونی اعلام شده است. اما به نظر من، عادی‌سازی روابط با کویت باید مزایای دفاعی قابل توجهی را به همراه داشته باشد.»

محاسبات عربستان سعودی با امارات متحده عربی به شدت متفاوت است، عمدتاً به این دلیل که افکار عمومی همچنان قاطعانه با روابط نزدیک‌تر با اسرائیل مخالف است. حتی به عنوان یک سلطنت مطلقه، این پادشاهی با دشواری بیشتری در سرکوب مخالفان سیاسی روبرو است.

بیتار استدلال کرد که محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، «کاملاً درک می‌کند که تسریع این روند عادی‌سازی بسیار نامحبوب خواهد بود.» «اگرچه هیچ عشقی بین سعودی‌ها و ایرانی‌ها از بین نرفته است، بسیاری [از اعراب خلیج فارس]، و بخصوص سعودی‌ها، هنوز اسرائیل را دشمن یا حداقل یک تهدید استراتژیک می‌دانند - کشوری که در تلاش برای ایجاد یک هژمونی منطقه‌ای است که برای منافع اکثر کشورهای عربی مضر خواهد بود.»

بیتار ادامه داد: «به نظر می‌رسد اسرائیل، مانند امارات متحده عربی، به سمت هرج و مرج و تجزیه پیش می‌رود و از اضطراب وجودی اقلیت‌ها در لبنان، سوریه و شمال آفریقا سوءاستفاده می‌کند. [اما] سعودی‌ها، مانند ترک‌ها و مصری‌ها، عمدتاً طرفدار ثبات، وضع موجود منطقه‌ای و جلوگیری از فروپاشی دولت در این کشورها هستند و این سیاست‌های [امارات/اسرائیل] را که با هدف تجزیه خاورمیانه انجام می‌شود، مطلوب نمی‌دانند.»

قطر که سال گذشته توسط اسرائیل بمباران شد، هم تل‌آویو و هم تهران را تهدید می‌بیند. دوحه به جای تکیه بر هر یک از این دو، احتمالاً روابط خود را با عربستان سعودی و ترکیه برای مقابله با چالش‌های نوظهور تقویت خواهد کرد، در حالی که همچنان به دنبال تعامل دیپلماتیک محتاطانه با تهران است.

دیپلمات ارشد عمان، در سخنرانی خود در گفتگوی منامه در نوامبر ۲۰۲۵، استدلال کرد که اسرائیل، نه ایران، بزرگترین تهدید منطقه‌ای است. عمان که به دنبال حفظ یک پل دیپلماتیک معتبر بین واشنگتن و تهران است، با دقت از اقداماتی که می‌تواند روابطش با ایران را تیره کند، اجتناب کرده است. از محکوم کردن علنی تهران پس از حملات طیارات بی‌سرنشین به شهرهای بندری عمان در جریان جنگ ایالات متحده-اسرائیل-ایران خودداری کرده و در اجلاس ۲۸ اپریل شورای همکاری خلیج فارس که انتظار می‌رفت بیانه‌های ضد ایرانی صادر کند، شرکت نکرده است.

تهدیدات ایران، غیرقابل پیش‌بینی بودن واشنگتن و تحولات منطقه‌ای، محاسبات امنیتی اعراب خلیج فارس را پیچیده می‌کند. در حالی که امارات متحده عربی، بحرین و احتمالاً کویت به سمت پذیرش اسرائیل به عنوان یک شریک امنیتی حرکت می‌کنند، بعید است که عربستان سعودی، قطر و عمان از این مسیر پیروی کنند. در سراسر خلیج فارس، تلاش برای خودمختاری، مشارکت‌های گزینشی را برمی‌انگیزد که یک تنظیم مجدد ناهموار را تشکیل می‌دهد که هم توسط عمل‌گرایی و هم محدودیت‌های اجتماعی و سیاسی پایدار شکل گرفته است.

هرگونه اتحاد با اسرائیل، بخصوص با توجه به خشم گسترده در جهان عرب از کارزار وحشیانه اسرائیل در غزه، که بسیاری از گروه‌های برجسته حقوق بشر آن را نسل‌کشی دانسته‌اند، خطر از بین رفتن مشروعیت و ایجاد ناآرامی‌های داخلی را به همراه دارد.

---

د پانوی شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ